

فهرست

پیشگفتار	نُه
مقدمه	۱

فصل اول: قول به اصالت تجربه دینی چیست؟

۱-۱ تعریفها و تمایزها	۱۷
۱-۱-۱ دو معنای عام و خاص تجربه دینی	۲۱
۱-۱-۲ قول به اصالت تجربه دینی و زمینه‌های الهیاتی و فلسفی آن	۲۴
۱-۱-۳ دو معنای عام و خاص قول به اصالت تجربه دینی	۲۹
۲-۱ فریدریش شلاپرماخر	۳۲
۳-۱ ویلیام جیمز	۳۶
۴-۱ قول به اصالت تجربه دینی در قرن بیستم	۴۰

فصل دوم: آلتون و قول به اصالت تجربه دینی

۱-۲ درباره آلتون و طرح فکری او	۴۹
۲-۲ ادراک و نظریه نمود	۵۴
۳-۲ تجربه دینی و ادراک خدا	۵۸
۴-۲ موجه بودن باورهای دینی ادراکی	۶۵

- ۷۰ ۵-۲ اعتمادپذیری ادراک حسی و دیگر منابع معرفت
- ۷۲ ۶-۲ رویکرد مبتنی بر «روال باورساز»
- ۷۵ ۱-۶-۲ معقولیت مشارکت در روالهای باورساز
- ۷۹ ۲-۶-۲ موجه بودن و اعتمادپذیری روالهای باورساز
- ۸۲ ۷-۲ دفاع از اعتمادپذیری روال ادراک مسیحی
- ۸۳ ۱-۷-۲ ارزیابی دلایل علیه هویت روال ادراک مسیحی
- ۸۹ ۲-۷-۲ ارزیابی دلایل علیه اعتمادپذیری روال ادراک مسیحی
- ۹۳ ۳-۷-۲ مسئله تکرر و تنوع ادیان
- ۹۸ ماحصل و مرور

فصل سوم: توجیه مبتنی بر ادراک؛

آیا معقول است تجربه دینی را ادراک خدا بدانیم؟

- ۱۰۱ ۱-۳ مقدمه: دو استدلال متمایز در نظریه آلستون
- ۱۰۴ ۲-۳ آیا قرائت آلستون از گزارشهای تجربه دینی درست است؟
- ۱۰۹ ۳-۳ آیا «نمایان شدن» برای ادراک کافی است؟
- ۱۱۳ ۴-۳ آیا تجربه دینی ادراک خداست؟ اگر هست، به چه دلایلی؟
- ۱۲۲ ۵-۳ ادراک عرفانی و واقع‌گرایی دینی
- ۱۳۱ ۶-۳ حاصل: آیا ادراکی دانستن تجربه دینی موجه است؟

فصل چهارم: توجیه مبتنی بر روال باورساز؛

آیا معقول است روال باورساز عرفانی را قابل اعتماد بدانیم؟

- ۱۳۷ ۱-۴ مقدمه: توجیه معرفتی و روال باورساز عرفانی
- ۱۴۱ ۲-۴ اصل معقولیت عملی
- ۱۴۹ ۳-۴ آیا معقولیت عملی اهمیت معرفتی دارد؟
- ۱۵۰ ۱-۳-۴ معقولیت عملی و التزام معرفتی
- ۱۵۳ ۲-۳-۴ معقولیت عملی و اعتمادپذیری
- ۱۵۵ ۴-۴ مدعای همترازی

۱۵۶ ۱-۴-۴ تثبیت‌شدگی (حیث ماقبل نظری)
۱۶۳ ۲-۴-۴ زیربنایی بودن
۱۶۸ ۳-۴-۴ کارکرد انتقادی
۱۷۲ ۵-۴ حاصل: آیا قابل اعتماد دانستن روال باورساز عرفانی موجه است؟

فصل پنجم: تجربه دینی و چرخش هرمنوتیکی

۱۸۰ ۱-۵ چرخش هرمنوتیکی چیست؟
۱۸۷ ۲-۵ معرفت‌شناسی بنیادین؛ هرمنوتیک به منزله معرفت‌شناسی
۲۰۰ ۳-۵ زمینه‌مندی و کل‌نگری
۲۰۵ ۴-۵ هرمنوتیک و قول به اصالت تجربه دینی
۲۱۰ ۱-۴-۵ هرمنوتیک تجربه
۲۱۴ ۲-۴-۵ هرمنوتیک بازشناسی
۲۲۱ ۳-۴-۵ هرمنوتیک توجیه
۲۲۷ ۵-۵ خاتمه
۲۳۱ مؤخره: قول به اصالت تجربه دینی؛ بن‌بست‌ها و افقهای پیش‌رو
۲۴۳ ضمیمه ۱: مروری بر آرا و آثار ویلیام آلستون
۲۴۶ ۱. معرفت‌شناسی
۲۵۷ ۲. فلسفه دین
۲۶۵ ۳. معنا و صدق
۲۷۳ ضمیمه ۲: مروری بر سابقه نظریه آلستون در ایران
۲۸۳ منابع

پیشگفتار

کتاب حاضر در اصل رساله دکتری نویسنده در رشته فلسفه غرب در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران بوده که اکنون با برخی اصلاحات و اضافات پیش روی اهل نظر گشوده است. در این کتاب کوشیده‌ام به مسئله‌ای بپردازم که در پانزده سال اخیر بخش مهمی از مشغله فکری من، و بسیاری چون من، بوده است. درباره اهمیت و جذابیت موضوع تجربه دینی برای جامعه فکری ما و انعکاس آن در جامعه دانشگاهی در مقدمه توضیحاتی آورده‌ام؛ طبعاً بخش عمده‌ای از آن توضیحات و ملاحظات را می‌توان وجه اهمیت موضوع برای نویسنده نیز دانست: خوشتر آن باشد که سر دلبران، گفته آید در حدیث دیگران!

به رسم معمول پیشگفتارها جا دارد از تمام دوستانی که در مراحل مختلف این تحقیق به نحوی یاری رسانم بوده‌اند تشکر کنم، اما از آنجا که آوردن نام برخی و نیاوردن نام برخی دیگر شرط انصاف نیست، تنها از کسانی نام می‌برم که کل کار را خواندند و پیشنهادهای ارزنده‌ای برای اصلاح و رفع نقصها دادند: دکتر شهرام پازوکی، استاد مصطفی ملکیان که نکات دقیق و عمیقش برایم بسیار آموزنده بود، دوستانم دکتر مالک حسینی و بویژه محمدمنصور هاشمی که در خلال این تحقیق هم‌بحث نقاد و خلاق من بود. همچنین بجاست یاد کنم از تشویق و ترغیب استیون کتس، دیوید کوزنز هوی و مرالد وستفال که ایده اولیه رساله‌ام را با ایشان در میان گذاشتم و نیز، با افسوس، یاد کنم از فیلسوف فقید دی زی فیلیپس که یک روز قبل از درگذشت ناگهانش به یکی دو پرسش من پاسخ گفت.

چاپ این کتاب مدیون حسن نظر و همراهی مدیر محترم انتشارات هرمس، جناب آقای لطف‌الله ساغروانی، است؛ از ایشان و همکارانشان خصوصاً خانمها زهرا عالی برای پیشنهادهای اصلاحی در نسخه نهایی و معصومه بصیری برای حروف‌نگاری سپاسگزارم.

بابک عباسی

شهریور ۱۳۹۱

مقدمه

بیش از یک قرن از انتشار تنوع تجربه‌های دینی^۱ ویلیام جیمز (۱۸۴۲-۱۹۱۰)، روان‌شناس و فیلسوف پراگماتیست امریکایی، می‌گذرد. اگرچه سابقه بحث تجربه دینی به قرن شانزدهم و نهضت اصلاح دینی در مسیحیت (پروتستانتیسم) و پس از آن به طور خاص به آثار فیلسوف آلمانی فریدریش شلایرماخر (۱۷۶۸-۱۸۳۴) – که توأمان پدر الهیات جدید و پدر هرمنوتیک جدید خوانده شده است – بازمی‌گردد اما با جیمز و تحت تأثیر او بود که اصطلاح «تجربه دینی» در مطالعات دینی و دین‌شناسی فلسفی رفته‌رفته جا افتاد و جایگاه کنونی خود را یافت. امروزه دیگر اصطلاح «تجربه دینی» یکی از واژگان کلیدی مباحث دین‌شناسی و خصوصاً فلسفه دین تحلیلی است، به نحوی که هیچ کتابی در زمینه فلسفه دین نمی‌توان یافت که فصلی از آن به این موضوع اختصاص نیافته باشد.

اهمیت تجربه دینی در حوزه دین‌شناسی و نظریه‌های راجع به دین، در قرون اخیر و خصوصاً در قرن بیستم، به قدری است که می‌توان از یک

1. *The Varieties of Religious Experience* (1902)

شش فصل از بیست فصل این کتاب، با ترجمه‌ای آزاد اما نسبتاً وفادار، به فارسی منتشر شده است (جیمز، ۱۳۴۲). همچنین ترجمه بخشهای منتخبی از اثر جیمز در فصلنامه نقد و نظر (ویژه تجربه دینی) منتشر شده است (جیمز، ۱۳۷۹). ترجمه کل کتاب نیز به تازگی منتشر شد: ویلیام جیمز، تنوع تجربه دینی، ترجمه حسین کیانی، تهران، حکمت، ۱۳۹۱.

رویکرد عام فکری تحت عنوان قول به اصالت تجربه دینی^۱ سخن گفت. اما قول به اصالت تجربه دینی صورتبندی‌ها و تعبیرهای مختلفی دارد. گاه تمام گزاره‌های دینی به تجربه دینی احاله می‌شود؛ تجربه‌ای که در تمام ادیان مشترک است. طبق این نظر، مبدأ و ذات ادیان (به معنای مابه‌الاشتراک آنها) تجربه دینی است. بر اساس صورتبندی دیگر محتوا و / یا متعلق همه تجربه‌های دینی مشترک است (قول به وجود هسته مشترک یا ذات واحد میان تجربه‌های دینی). تلقی دیگر این است که ذات دین (به معنای حقیقت آن؛ مابه‌الشیء هو هو) تجربه دینی است. گاه نیز گفته می‌شود که مقصد و غایت قصوای دین و دینداری حصول تجربه دینی است. طبق صورتبندی دیگر نیز تجربه دینی مبنا یا پشتوانه باور دینی است.^۲ نزد متفکران قائل به اصالت تجربه دینی دست‌کم یکی از این صورتبندی‌ها را می‌توان یافت. در این کتاب به یکی از مهمترین تقریرهای معرفت‌شناسانه قول به اصالت تجربه دینی خواهیم پرداخت.

بحث تجربه دینی را، در صورتبندی معرفت‌شناسانه آن، باید از اقسام مبحث کلان عقل و دین به شمار آورد. شاید بتوان ویژگی بارز دین‌شناسی تحلیلی در نیمه دوم قرن بیستم را توجه به تجربه دینی به منزله مبنایی برای معقولیت باورهای دینی دانست، و یکی از مباحثات و مباحث مهم در فلسفه دین معاصر بحث بر سر اهمیت معرفت‌شناسانه تجربه دینی بوده است.^۳

۱. «قول به اصالت تجربه دینی» را می‌توان کمابیش معادل Empirical Theology (در مورد طرح الهیاتی شلایرماخر) یا Religious Empiricism (در مورد طرح فلسفی - روان‌شناسانه جیمز) دانست. اگرچه مراد من از «قول به اصالت تجربه دینی» در اینجا کاملاً بر مفهوم این دو اصطلاح انگلیسی منطبق نیست، به نظرم «قول به اصالت تجربه دینی» بهتر از معادلهایی چون «الهیات تجربی» یا «تجربه‌گرایی دینی» سوگیری این طرح (پروژه) فکری را روشن می‌کند (از منصور هاشمی برای پیشنهاد این اصطلاح ممنونم).

۲. این را نیز باید افزود که «تجربه دینی» در همه این صورتبندی‌ها همواره به یک معنا به کار نرفته است.

۳. بنگرید به فصل پنجم از اثر زیر:

Michael L. Peterson & Raymond J. Vanarragon (eds.), *Contemporary Debates in Philosophy of Religion*, Malden, MA: Blackwell (USA), 2004.